

چکیده:

تجدید فراش مرد موجب می شود که زن به آسیب هایی نظیر احساس شکست در زندگی، احساس تنهایی، بی اعتمادی و مشکلات اقتصادی و خانوادگی گرفتار شود، البته آمارها نشان می دهد که گرایش به چند همسری در حال کاهش است و مطابق نظر سنجی ها مخالفت با چند همسری بیش از موافقت با آن می باشد. در پایان نیز پیشنهاداتی جهت کاهش این پدیده و اثرات آن ارائه گردیده است.

واژگان کلیدی:

ازدواج مجدد، چند همسری، چندزنی، تک همسری، خانواده، زن.

مقدمه:

پدیده چند همسری از جمله مباحثی است که در قرن اخیر بسیار مورد توجه اندیشمندان اجتماعی قرار گرفته است. نکته قابل تأمل در این تبیین ها اتخاذ سرسختانه موضع دفاع یا مخالفت با چند همسری است. از نظر برخی افراد چند همسری در زمان های گذشته رسم بوده است و اینک در اکثر جوامع مرسوم نیست. از نظر گروه دیگر تنها اصل تجویز آن در متون دینی، بر جواز انجام آن کفایت می کند. این پشتیبانی مجدانه به حدی است که شائبه راجح بودن این کار را به ذهن متبادر می کند. به نظر می رسد هنوز این مسأله جزء مسائل مورد مناقشه و سؤال است. آنچه تا کنون از سوی موافقین و مخالفین طرح شده است، اغلب با پیش داوری، قضاوت ارزشی و تعصبات جانبدارانه همراه بوده است. بنابراین لازم است به دور از هر گونه قضاوت به بازکاوی جامعه شناختی این پدیده و بازتاب آن در اجتماع پرداخت.

تعریف چند همسری

اصطلاح چند همسری در مقابل تک همسری [۱] فی نفسه واژه ای عام بوده و شامل چند شوهری [۲] و چند زنی [۳] می باشد، اما واژه مورد نظر این تحقیق چند زنی است.

این اصطلاح به معنی نوعی ازدواج است که داشتن بیش از یک زن را مجاز می شمارد. اصطلاح چند همسری از حیث ریشه شناسی (اتیمولوژی) تعدد زوج یا زوجه را مشخص نمی کند، اما کاربرد تاریخی آن همیشه به مفهوم زناشوئی مرد با بیش از یک زن بوده است (Gould and Kolb, ۱۹۶۴: ۵۱۷-۵۱).

بیشتر مردان در جوامعی که تعدد زوجات در آن ها رواج ندارد، تنها یک همسر دارند و حق داشتن چند زن اغلب محدود به افرادی است که دارای منزلت والایی هستند و در این گونه جوامع معمولاً نسبت جنسی [۴] و عوامل اقتصادی مانع از این اتفاق می شوند (Giddens, ۱۹۹۳: ۳۹۳).

رسم چند زنی از جمله رسم هایی است که تاریخی به قدمت تاریخ بشر دارد، تا آنجا که بشر به یاد دارد از اقوام ابتدایی گرفته تا ملل متمدن این رسم وجود داشته است. به عقیده ویل دورانت این رسم از اجتماعات اولیه بشری سرچشمه گرفته و بلکه «در اجتماعات اولیه، اصل چند همسری روشی متداول و رایج بوده است» (ویل دورانت، ۱۳۷۰: ص ۵۰) همچنین رسم چند زنی در میان اقوام چینی و هندی و بابلی و آشوری و مصری قدیم (ناصر علوان، ۱۴۰۴: ص ۱۵) و در میان قبایل سرخپوست آمریکا رواج کامل داشته است. ویل دورانت از قول سکولکرافت می نویسد: «در میان قبیله هندیشمردگان آمریکا اغلب مردان تا به سن پیری برسند، زنان متعدد می گیرند و حتی فرزندان خود را نمی شناسند» و سفید پوست ها را به خاطر اینکه تمام مدت عمر خود را با یک زن سر می کنند، مورد تمسخر قرار می دهند. (ویل دورانت، ۱۳۷۰: ص ۶۱)

در میان اعراب جاهلیت نیز تعدد زوجات حد و حصری نداشت. تعیین محدوده تعدد زوجات توسط اسلام برای آن عده از اعراب که بیش از چهار زن داشتند، مشکل به وجود می آورد، لذا افرادی که بیش از این تعداد زن داشتند، مجبور بودند آنها را رها کنند. (مطهری، ۱۳۵۷: ص ۳۴۲) در ایران باستان نیز اصل تعدد زوجات اساس خانواده به شمار می رفت و تعداد زنانی که مرد می توانست داشته باشد، به نسبت توانایی مالی او بود و اغلب مردم کم بضاعت نمی توانستند بیش از یک زن داشته باشند. رئیس خانواده از حق ریاست دودمان بهره مند بود. یکی از زنان، صاحب حقوق کامله بود و پادشاه او را زن یا «زن ممتاز» می خواند. از او پست تر زنی بود که عنوان خدمتکاری داشت و او را «زن خدمتکار» یا «زن چگاری ها» (چاکر زن) می گفتند. «کریستین سن، آرتور امانوئل، ۱۳۷۲: ص ۴۳۲» شماره زنانی که مرد می توانست بگیرد، نامحدود بود و گاهی در اسناد یونانی دیده شده است که مردی چند صد زن داشته است. (مطهری، ۱۳۵۷: ص ۳۴۱) گوستاولوبون نیز تاکید کرده که «قبل از اسلام هم رسم مذکور در میان اقوام شرقی از یهود، ایرانی، عرب و غیره شایع بوده است» (گوستاولوبون، ۱۳۳۴: ص ۵۰۹)

قبل از اسلام این رسم در میان تمامی ادیان الهی موجود در آن روزگار به جز مسیحیت [۵] وجود داشت. چنانچه در کتاب مقدس (تورات) آن را به رسمیت شناخته و آورده است که انبیاء بزرگ الهی همانند ابراهیم (کتاب مقدس، سفر پیدایش باب ۲۵: ۱-۶) و یعقوب (سفر پیدایش، باب ۳۲: ۲۲) و موسی (سفر خروج، باب ۲: ۱۶ تا ۲۱ و سفر اعداد، باب ۱۲: ۱) و داود زنان متعدد داشتند و در خصوص داود کتاب مقدس اسامی ۹ نفر از زنان او را نام می برد. (کتاب مقدس، کتاب اول تاریخ ایام، باب سوم) کتاب تلمود نیز چند زنی را مجاز دانسته است. آقای وستر مارک [۶] می گوید: در تلمود برای تعدد زوجات حدی معین نشده، ولی سفارش کرده است در صورتی که مردی اقدام به چنین عملی کند، باید بتواند آن ها را به درستی تأمین نماید و فرد عادی بهتر است ۴ زن و افراد عالی مقام ۸ زن بگیرند، اما اذعان دارند که خداوند برای آن حدی قرار نداده است (احمد طه، ۲۰۰۳: ص ۳۰) و در عمل نیز این کار میان یهودیان مرسوم بوده است. (السباعی، ۱۹۹۹: صص ۷۷-۷۰) و امروزه علی رغم فتوای خاخام «جرشوم» به تحریم چند زنی باز کثیری از مردم اسرائیل (فرقه قرائیین) اقدام به چند زنی می کنند، لکن شروطی مثل وسعت مالی مرد یا عقیمی یا دیوانه بودن زن اول و رعایت عدالت بین زنان (صابر احمد طه، ۲۰۰۳: ص ۳۱ و ۳۲) را قائل می شوند، علاوه بر دین یهود در دین زرتشت و بعضی ملل دیگر این رسم و قانون وجود داشته است. (مطهری، ۱۳۷۴: ص ۳۳۷ و صص ۳۴۱-۳۴۰) همچنین در میان دین «کنفوسیوس» (چینی ها) و دین «بودا» (هندی ها) چند زنی مجاز دانسته شده است و در دین «لیکی» که در چین پیروانی دارد، تعداد زنانی که یک مرد می تواند بگیرد تا ۲۳۰ نفر می باشد. (ناصر علوان، ۱۴۰۴: ص ۱۵)

اما همه ادیان برای تعدد زوجات شروطی قائل شده اند و یکی از شروط اساسی در این باب شرط عدالت می باشد، چنانچه در تورات آمده است که هرگاه شخصی کنیز خود را برای پسرش عقد نماید و سپس پسر مصمم شود که زن دیگری اختیار نماید، نایستی از غذا و لباس زن اول بکاهد و وظیفه زناشوئی را در مورد او تقلیل دهد یا در کتاب مذهبی مالدیو که گرفتن سه زن را مجاز کرده است، دستور می دهد شوهر باید با آن ها به تساوی رفتار کند. (منتسکیو، ۱۳۶۲: صص ۴۳۷-۴۳۸)

چند زنی در غرب

بعضی از مورخین معتقدند که قدمت تک همسری در اروپا به دوران باستان (قبل از مسیحی شدن اروپا) می‌رسد و حتی نقل می‌کنند که «والانتینین، امپراتور روم، به علل و جهات مخصوص اجازه داد تا مردان چندین زن بگیرند، ولی چون این قانون با آب و هوای اروپا مناسب نبود، از طرف سایر امپراتوران روم مثل «تئودور» و «آکاردیوس» و «مونوریوس» لغو گردید.» (همان، ص ۴۳۴)

منتسکیو در توجیه این امر می‌نویسد: از آنجایی که زنان کشورهای آسیایی و جنوب زودتر به بلوغ جنسی می‌رسند، زودتر نیز پیر می‌شوند، بنابراین در سنین پیری به واسطه از دست دادن زیبایی خود نمی‌توانند نفوذی بر شوهر خود داشته باشند، در حالی که زنان اروپائی به جهت مختصات آب و هوا زیبایی خود را مدتی حفظ می‌کنند و در ایام پیری هم در مردان نفوذ دارند. (همان، ص ۴۳۳) او همچنین دیر ازدواج کردن زنان اروپایی و مصرف مشروبات الکلی از طرف مردان را علل دیگر این امر می‌داند. (همان)

چند زنی در مسیحیت

در اناجیل اربعه نصّ خاصی در مورد ممنوعیت چند زنی وجود ندارد، بلکه در رساله پولس مطالبی است که جواز تعدد زوجات را می‌رساند، آنجا که پولس می‌گوید: لازم است اسقف تنها یک زن بگیرد (رساله اول پولس رسول به تیموتاؤس، باب سوم: ۲ و ۱۲) و این که اسقف را ملزم به یک زن نموده است، دلیلی بر این می‌باشد که برای غیر اسقف، بیش از یک زن جایز بوده است. به لحاظ تاریخی هم ثابت شده است که بعضی از مسیحیان اولیه بیش از یک زن می‌گرفتند. وستر مارک بیان می‌کند: با اعتراف کلیسا چند زنی تا قرن هفتم میلادی در بین مسیحیان وجود داشته است، او همچنین اذعان کرده است که پادشاه ایرلند «لیدیاریات» و شارلمان دو زن داشتند و لوثر هم در اعتراضات خود به مسیحیت گفته که چند زنی به امر خدا حرام نشده است. (ناصر علوان، ۱۴۰۴: صص ۱۷-۱۶) (امروزه فرقه مورمون ها قائل به چند زنی هستند و این امر در بین آن ها رواج دارد).

این که به چه دلیل امروزه در عالم مسیحیت چند زنی ممنوع است، بسیاری از نویسندگان معتقدند حرمت چند همسری مسیحیت از قوانین حاکم بر روم باستان ناشی شده است، چنانچه جرجی زیدان می‌گوید: در متون دین

مسیحیت نص صریحی دال بر ممنوعیت چند زنی وجود ندارد، بلکه کلماتی است که می توان جواز چند زنی را از آنها بدست آورد، لکن از آنجا که در نظر رؤسای اولیه کلیسا اکتفا به یک زن برای حفظ نظام و خانواده بهتر به نظر رسید و از قدیم نیز در دولت روم قانون تک همسری حاکم بود، پس به خودشان زحمت بررسی نصوص دینی مسیحیت را ندادند، تا این که به مرور زمان ازدواج با زن دوم حرام محسوب شد. (عبد الهادی عباس، ۱۹۸۷: ص ۳۳۷)

«وستر مارک» و «ارجست فوربل» و افراد دیگری هم چون صابراحمد طه معتقدند که کلیسا برای جلب بزرگان دولت روم به دین مسیحیت این قانون را پذیرفت و در حقیقت عملاً [برای خوشآمد دیگران] دست به تحریف دین مسیحیت زد. (احمد طه، ۲۰۰۳: صص ۶۴-۶۳)

«وستر مارک» معتقد است که چندزنی به اعتراف کلیسا تا قرن هفدهم میلادی در مسیحیت وجود داشت. (الجمال، ۱۹۸۶: ص ۲۶)

هرچند ازدواج دوم در اروپا از نظر قانونی جرم بوده است، لکن در عمل به قاعده تک همسری مقید نبودند. چنانچه لورا بتزیگ [۷] تاریخدان داروین گرا نشان داده است که هم در امپراطوری روم (باستان) و هم در عالم مسیحیت قرون وسطایی، اگر چه ازدواج، تک همسری بود، اما جفت گیری اغلب چند زنی بود.

گوستاولوبون هم در این رابطه می گوید: «در مغرب با وجود این که آب و هوا و طبیعت مقتضی وجود چنین رسمی نیست، با این حال رسم وحدت زوجه رسمی است که ما آن را فقط در کتاب های قانون می بینیم وگرنه خیال نمی کنم بتوان این را انکار کرد که در واقعیت ماجرا، اثری از این رسم (رسم وحدت زوجه) نیست». (گوستاولوبون، ۱۳۳۴: ص ۵۰۹)

اینکه ویل دورانت ادعا کرده است که با ظهور دین مسیحیت چند زنی حداقل در اروپا از بین رفته و زن منحصر

به فرد، صورت اساسی و رسمی ازدواج را تشکیل می داده است». (ویل دورانت، ۱۳۷۰: صص ۵۲-۵۱) احتمالاً به جهت عدم اطلاع از قوانین روم باستان بوده است، زیرا شکی نیست که ظهور دین مسیحیت ربطی به تک همسری در اروپا نداشته، بلکه قانون تک همسری در اروپا از مدت ها قبل در روم باستان جاری و حاکم بوده است. [۸]

چند زنی در اسلام

در باب جواز تعدد زوجات به آیه ۳ سوره نساء استناد می شود. در شأن نزول این آیه نقل شده است که قبل از اسلام بسیاری از مردم حجاز، دختران یتیم را به عنوان تکفل و سرپرستی به خانه خود می بردند و بعد با آنها ازدواج کرده و اموال آنان را تملک می کردند و مهریه آنها را کمتر از حد معمول قرار می دادند و با کمترین ناراحتی، آنان را رها می نمودند و حاضر نبودند به شکل یک همسر معمولی با آنها رفتار نمایند. در این هنگام آیه نازل گردید که سرپرستان ایتام در صورت ازدواج با دختران یتیم باید عدالت را به طور کامل رعایت نمایند و در غیر این صورت از ازدواج با آنها چشم پوشی کنند و همسران خود را از زنان دیگر انتخاب کنند. (مکارم شیرازی، ۱۳۶۶: ص ۲۸۹) بسیاری از مفسرین هم در مورد شأن نزول آیه مطالبی مشابه ذکر کرده اند. (بلاغی، ۱۳۴۵: ص ۹) (ابوالفتوح رازی، ۱۳۷۴: ص ۲۳۲) (کاشانی، ۱۳۴۴: ص ۴۲۸)

بنابراین این آیه برای احقاق حق زنان بوده و به نفع مردان نازل نشده است، زیرا اولاً قبل از نزول این آیه مردان آزاد بودند تا هر تعداد که مایل بودند، ازدواج کنند، ولی نزول این آیه بیش از چهار زن را ممنوع اعلام کرد، حتی برخی را که قبل از تشرف به اسلام بیش از چهار زن داشتند، مجبور نمود که مابقی را رها کنند. ثانیاً قبل از نزول این آیه در حق دختران یتیم ظلم می شد و به اسم ازدواج، ثروت آنها تصاحب می گردید. این آیه مردم را از این کار نهی فرمود. در ادامه آیه ذکر شده است: «اگر می ترسید بتوانید بین چند همسر به عدالت رفتار کنید، تنها یک زن بگیرید و نه بیشتر.»

علامه در ذیل تفسیر این آیه می فرماید: «این جمله، حکم مسأله را معلق به خوف کرد نه علم و فرمود که اگر می ترسید بین چند همسر... و نفرمود اگر می دانید که نمی توانید عدالت را برقرار کنید. علتش این است که در این

امور که وسوسه های شیطانی و هواهای نفسانی اثر روشنی در آن دارد، غالباً علم برای کسی حاصل نمی شود و قهراً اگر خدای تعالی قید علم را آورده بود، مصلحت حکم فوت می شد. (طباطبایی، ۱۳۹۷، ص: ۱۷۷)

از ظاهر آیه جواز چند همسری در نظر اسلام درک می شود، ولی قرآن در این خصوص جواز ازدواج با چند زن را مشروط به حفظ عدالت کامل نموده است، یعنی اگر نمی توانید عدالت را رعایت کنید به همان یک همسر اکتفا کنید تا از ظلم و ستم بر دیگران برکنار باشید. بنابراین تعدد زوجات در اسلام موارد خاص و با شرایط سنگین و در حدود معینی مجاز شمرده شده است.

چند زنی در جوامع فعلی

بر اساس تحقیقات مورداک [۹] چند زنی در بیش از ۷۵ درصد از جوامع فعلی یافت شده است، علی الخصوص در کشورهای عربستان سعودی و مصر و در میان فرقه مورمون ها (شاخه ای از مسیحیت پروتستان) در ایالات متحده آمریکا بسیار رایج است (Browne, ۱۹۹۲: ۲۱۳-۲۱۴). رهبر فرقه مورمون «یونج» ۲۰ زن دارد و در میان فرقه های دیگر مسیحیت همانند فرقه «الانافتستس» در آلمان چند زنی رواج کامل دارد. (احمد طه، ۲۰۰۳: ص ۶۵)

همچنین مبلغین مسیحی که به تایلند و اندونزی و آفریقای مرکزی رفته اند، در آنجا با رواج شدید چند زنی مواجه شدند، برای رواج دین مسیحیت در آنجا، اقدام به تبلیغ چند زنی بی حد و مرز در دین مسیحیت نمودند. (احمد طه، ۲۰۰۳: ص ۶۵)

محاسبه آماری مردان چند همسر

بر اساس آخرین آمار منتشره، نسبت چند زنی در مصر ۴ درصد، در سوریه و عراق ۵ درصد و در کشورهای خلیج ۸ درصد می باشد. (هرچند این آمار رسمی است و شامل تعدادی موارد پنهانی نمی باشد).

چند زنی در بعضی از کشورهای آفریقای مرکزی و صحرای آفریقا و غرب و جنوب آسیا عمومیت دارد. اطلاعات به دست آمده از تحقیقات سال های ۱۹۹۲ تا ۱۹۹۸ نشان داد که نیمی از زنان مزدوج ۱۵ تا ۴۹ ساله کشورهای بنین، (کشوری در آفریقای غربی) بوركینافاسو، (کشوری در غرب آفریقا)، گینه و بیش از یک سوم زنان مزدوج سنین فوق در شش کشور آفریقایی با موضوع چند زنی همسرشان مواجهند. چند زنی در میان زنانی که کار نمی کنند، بیش تر از زنانی است که کار می کنند. چند زنی در میان زنانی که در مشاغل با درآمد پایین هستند، بسیار رواج دارد.

(United Nations, ۲۰۰۰: ۲۸)

جدول شماره (۱): درصد چند زنی در کشورهای آفریقای شمالی و صحرای آفریقا

Source: united Nations, ۲۰۰۰: ۲۸

همان طور که در نمودار فوق مشاهده می کنید آمار چند زنی در میان ۲۶ کشور، ارائه شده است که در ۷ کشور، بالای ۴۰ درصد و در ۶ کشور بین ۳۰ تا ۴۰ درصد و در ۷ کشور بین ۲۰ تا ۳۰ درصد و در ۷ کشور نیز زیر ۲۰ درصد رواج دارد.

به عبارت دیگر چند زنی در حدود ۵۰ درصد کشورهای مورد مطالعه بالای ۳۰ درصد بوده است.

تبیین نظری چند همسری

نظریه جمعیت شناختی

در این نظریه تکیه اصلی بر این امر است که در شرایط خاصی تعداد زنان آماده ازدواج بیش از مردان است و این فزونی تعداد زنان، جامعه را دچار نوعی بحران می نماید، بدین جهت بهتر است مردانی که از امکانات مالی خوبی برخوردارند، به جای یک زن با دو یا چند زن ازدواج کنند، تا تعادل برقرار شود.

نظریه جامعه شناختی

از آنجا که مردان بیشتر درگیر مشکلات زندگی اجتماعی نظیر شرکت در جنگ و فعالیت های مختلف خطرناک جهت کسب معاش می باشند، بیشتر در معرض مرگ و میر بوده و عمرشان کوتاهتر از عمر زنان است. در جنگ جهانی دوم پنج میلیون نفر مرد کشته شدند، در حالی که چند هزار نفر زن کشته شده بودند، میزان مرگ و میر مردان در کشورهای غیر پیشرفته بیشتر است، زیرا اولاً امکانات بهداشتی در این کشورها کمتر می باشد، ثانیاً جنگ در بین این کشورها بیشتر شیوع دارد و این مصائب اجتماعی باعث می شود که همواره تعداد زنان بدون شوهر زیادتر باشد. (صابر احمد طه، ۲۰۰۳: ص ۱۲۱)

در برخی مواقع زن به صورت ارثی عقیم است یا بعد از ازدواج به دلایلی عقیم شده یا به مرض عصبی یا جسمی سخت و... مبتلا می گردد، در این صورت شوهر یا زنش را طلاق می دهد و یک زن بی سرپرست به جامعه افزوده می شود یا اینکه زن دوم اختیار می کند، البته معمولاً شق دوم انجام می شود، زیرا طلاق زن اول موجب سرگردانی و بدبختی او می شود و کرامت نفس و جایگاه اجتماعی او را به خطر می اندازد، زیرا با این وضعیت فرصت ازدواج نخواهد داشت. (همان، ص ۱۲۲)

نظریه مردم شناختی

نتایج مطالعات مردم شناسان در میان اقوام ابتدایی نشان می دهد که چند زنی در اغلب جوامع ابتدائی شیوع دارد و می توان ادعا کرد که اجتماعات اولیه بشری به طرف چند زنی متمایل بوده است . یک بررسی قوم نگارانه از ۸۴۹ جامعه ابتدائی در سرتاسر جهان نشان داده است که از این تعداد ۷۰۸ جامعه چند زنی (بیش از یک زن) و ۴ جامعه چند شوهری (بیش از یک شوهر) و ۱۳۷ جامعه تک همسری بوده اند. از طرف دیگر شواهد روانشناختی نیز نشان می دهد که مردان معمولاً به دنبال تنوع جنسی بوده و جذب شاخص های فیزیکی زن نظیر جوانی، تندرستی و شادابی می شوند در حالی که ماده ها به سمت شاخص های ثروت یا امکان کسب ثروت در مردان از جمله قدرت کشیده می شوند، ناپلئون شگنون [۱۰] انسان شناس داروین گرا، معتقد است که مردمان یانومامو [۱۱] در جنگل آمازون یکی از معدود قبیله هایی می باشند که شیوه زندگی نیاکان ما یعنی شکارچی ها را دارند. یانوماموها خود را «انسان درنده» می نامند و خشونت و جنگ های مرگبار در میان آنها متداول است. به گفته ادوارد ویلسون زیست شناس برجسته، «یک چهارم از مردان یانومامو در نبرد می میرند، اما جنگجویان باقیمانده اغلب در تولید مثل، بسیار موفق هستند. بنیانگذار یکی از روستاهای یانومامو ۴۵ فرزند و ۸ زن داشت، پسرانش نیز پر زاد و ولد بودند، تا جایی که نزدیک به ۷۵ درصد از جمعیت نسبتاً بزرگ روستا از نسل او بودند و اصولاً جنگیدن آن ها برای گرفتن زنان متعدد بود.

انواع اقدام به چند همسری

اقدام مخفیانه

از آنجایی که ازدواج مجدد (خصوصاً اگر برای هوسرانی و بدون عذر موجه عرفی باشد) در کشور ما با هنجارها، انتظارات و ارزش های عموم مردم جامعه ناسازگار است، لذا معمولاً مردانی که قصد تجدید فراش دارند، تا حد امکان، آن را از چشم همه، حتی نزدیکترین خویشاوندان خود پنهان می کنند. [۱۲]

در مواردی هم شوهر از زندگی مخفیانه با زن دوم خسته شده و بعد از مدتی، به خیال این که آب از آسیاب افتاده است، جریان ازدواج مجدد خود را با زن اول در میان می گذارد یا شرایطی فراهم می کند که زن اول از جریان مطلع شود که البته در اکثر این مواقع حوادث پیش نشده ای اتفاق می افتد. [۱۳] (روزنامه اعتماد، ۸۳/۲/۱۸).

اقدام آشکار

در مواردی زن نقص یا بیماریی نظیر عقیمی و روان پریشی و... دارد و همسرش نمی خواهد او را طلاق دهد، دراین صورت معمولاً به جهت آنکه عذر موجه وجود دارد، کمتر پنهان کاری انجام می شود و معمولاً مرد بعد از اخذ مجوز از مراجع قانونی اقدام به ازدواج مجدد خواهد نمود، زیرا این عمل او در نزد مردم و اطرافیان، عمل غیر ارزشی و ناهنجار جلوه نخواهد کرد، بلکه خود را نزد سایرین مردی فداکار معرفی خواهد کرد که حاضر شده است از زن معیوبی مراقبت کند.

اقدام با توافق طرفین

در جوامعی که چند زنی رواج گسترده دارد، زن اول، فرد خاصی را که به لحاظ خصوصیات فردی (اخلاقی) با او بیشتر موافقت دارد، به عنوان عضو زندگی خود انتخاب می کند یا در مواردی که زن دوم به عللی مثل عقیم بودن یا داشتن مشغله سیاسی- علمی، نمی تواند از عهده خواسته های شوهر برآید، خود داوطلب انتخاب همسر برای شوهرش می شود.

علل اقدام به چند همسری

با توجه به مشکلات فرهنگی و معیشتی، فرهنگ غالب جامعه ایران، موافق چند همسری نیست، بلکه به اعتراف بسیاری از جامعه شناسان و اندیشمندان افکار عمومی جامعه ایران در تضاد با چند همسری نیز می باشد، به طوری که اگر فردی بدون عذر موجه، زن دوم بگیرد، اولین کسانی که او را مورد سرزنش قرار می دهند، اقربا و نزدیکان وی همانند پدر، مادر یا برادران و سایر نزدیکان خواهند بود و به احتمال بسیار زیاد انگشت نما و نقل محافل خواهد شد. لذا این سوال مطرح است که به چه دلیل مرد متأهل تجدید فراش می نماید و چه چیز یا چیزهایی

می تواند انگیزه او باشند. علل ذیل به عنوان دلایل این کار مطرح شده است:

علل فردی

عدم تهذیب نفس و خویشتنداری

معمولاً افرادی که به هیچ وجه صلاحیت اخلاقی ندارند و هوسرانند و نمی توانند خویشتنداری داشته باشند، درگیر مسأله تجدید فراش می شوند. آنها اغلب نمی توانند زندگی اول خود را هم خوب اداره کنند و بدترین اخلاق را در روابط با زن اول خود دارند، چنین افرادی سریع در دام وسوسه می افتند و چندین خانواده را به فساد می کشند. به دیگر سخن روحیه خوشگذرانی، روحیه عدم وفاداری، روحیه ناسپاسی، ... معمولاً یکی از مهمترین دلایل چند همسری مردان است.

مقابله با طلاق و جدایی

گاهی اوقات اختلافات زن و شوهر تا آستانه طلاق کشیده شده است، اما مرد به دلایلی نمی خواهد زن خود را طلاق دهد، بلکه با ازدواج مجدد، سعی می کند زندگی با زن اول را رها کند.

مبارزه با فساد اخلاقی

در مواردی که مرد دور از همسرش زندگی می کند و امکان انتقال وی به آن مکان وجود ندارد، بعضی از مردان به جهت اسباب تحریک جنسی (آستانه تحریکی مردان بیش از زنان است)، به اعمال خلاف عفت روی می آورند و بعضی که دوست ندارند آلوده به فساد شوند، تجدید فراش می کنند.

در مواردی نیز زن به علل مختلف دچار سرد مزاجی می شود که عموماً مردان این وضعیت را تا معالجه یا اتمام دوره تحمل می کنند، اما در مواردی هم مرد برای آلوده نشدن به فساد اخلاقی تجدید فراش می کند.

علل خانوادگی

ازدواج ناخواسته مرد با زن اول

چنانچه ازدواج اول مرد با زن دلخواه و مورد پسندش انجام نشده باشد و این ازدواج به صورت اجباری و ناخواسته انجام شده باشد، مرد انگیزه دارد که تجدید فراش نماید. در این گونه موارد مرد به جای این که از زن اول جدا شود، به جهت مسائلی همچون وجود فرزند، دنبال زن دلخواه خود می گردد.

وجود رویه چند همسری در فامیل یا اقوام

یکی دیگر از علل ازدواج مجدد، عادی بودن این رویه در نزد اقوام یا دوستان مرد می باشد.

از کار افتادگی جنسی و جسمی زن

در مواردی که سن زن از مرد بیشتر باشد یا زن درگیر کارهای سخت باشد، معمولاً زودتر از مرد پیر و از کار افتاده می شود، همچنین اگر زنی عقیم باشد، در این صورت برای جبران مشکلات خود درصدد برگزیدن همسر دوم برای شوهر خود می باشد.

ازدواج موقت مرد

گاه ازدواج موقت مرد و تولد یک فرزند به واسطه این ازدواج موجب می شود که مرد ناچار شود که این زن را به عنوان همسر دوم و دائمی خود برگزیند.

علل اجتماعی

به رخ کشیدن پایگاه اجتماعی خود به دیگران

همان طور که می دانیم در بعضی از نقاط ایران همانند مناطق جنوبی و کشورهای همسایه، چند زنی، جزئی از عرف جامعه شده است و مردم آن را قبیح نمی دانند، در این جوامع یکی از روش های نشان دادن پایگاه و موقعیت ممتاز اجتماعی ازدواج مجدد است. چنانچه در افغانستان و قطر این برداشت رواج کامل دارد و بعضی از مردان ثروتمند، داشتن زن دوم و سوم را در حکم موقعیت اجتماعی ممتاز می دانند. [۱۴] (نشریه ندا، ش ۲۴، ص ۴۲)

نیاز به نیروی کار

در بیشتر جوامع روستایی- سنتی (خصوصاً روستاهایی که هنوز به صورت سنتی عمل می کنند) چند زنی ریشه در واکنش نسبت به نیازهای اجتماعی و اقتصادی دارد، زیرا از این طریق نیروهای انسانی مورد نیاز برای کشت زمین و مقابله با میزان بالای مرگ و میر کودکان فراهم می شود. در اکثر جوامع روستایی- سنتی باور بر این است که فرزندان موجب افزایش حیثیت، دارایی و منزلت اجتماعی خانواده می باشند و بنابراین همیشه به دنبال فرزندان بیشتری هستند (Moore, ۱۹۸۷: ۹۹) و چندزنی در این جوامع بیشتر برای تأمین نیروی کار کشاورزی است، زیرا زن دوم یعنی نیروی کار جدید و فرزند جدید هم به معنای نیروهای کار اضافی در آینده است. بنابراین چند زنی در جوامع کشاورزی دارای توجیه اقتصادی است.

کاهش رعایت چارچوب ها در روابط زن و مرد

در مواردی دیده می شود که روابط خانوادگی دوستان با یکدیگر مشکل ساز شده است. خصیصه عمومی این نوع روابط آن است که حریم محرم نامحرم رعایت نمی شود و زمینه را برای ارتباطات بیشتر و گاه ازدواج مجدد فرد فراهم می کند.

عادی سازی چند همسری در رسانه ملی

اخیراً در سریال های تلویزیونی موضوع تجدید فراش مردان همانند یک رویه عادی و معمول نشان داده شده است که قبح انجام این کار را در جامعه از بین می برد. در اکثر این سریال ها مردی هوسران به واسطه عدم خویشتن داری بدون توجه به آثار این کار و بدون اضطراب اقدام به چنین عملی نموده است و جالب آنکه با مجازات های اجتماعی هم مواجه نمی شود.

علل ازدواج زنان با مردان متأهل

افزایش سن ازدواج دختران

نتایج نشان می دهد که بالا رفتن سن ازدواج میان دختران یکی از دلایل ازدواج آن ها با مردان متأهل می باشد. در واقع در شرایطی که امکان ازدواج برای پسران به دلایل مختلف کمتر وجود دارد، فرصت های انتخاب همسر برای بسیاری از دختران هم محدود می شود و برخی دختران، امید به ازدواج با فرد مجرد را از دست می دهند، در چنین شرایطی یا باید تا آخر عمر مجرد باقی بمانند و از نعمت مادری و همسری محروم شوند یا به عنوان همسر دوم ازدواج کنند. در این میان برخی دختران ترجیح می دهند که به عنوان همسر دوم انتخاب شوند، همان طور که ممکن است بسیاری ترجیح دهند تا آخر عمر مجرد باقی بمانند. [۱۵]

رهایی از مشکل بیوه بودن

این موضوع اصلی ترین عامل ازدواج زنان با مردان متأهل است، به ویژه برای زنان بیوه که شاغل نیستند و تهیه مایحتاج فرزندان و اداره زندگی برای آنها دشوار است. در واقع طلاق یا فوت همسر باعث می شود که برخی به جهت شرایط کنونی خود حاضر شوند که همسر دوم مردان متأهل گردند. (روزنامه اعتماد ۱۳۸۲/۴/۱۰)

افزایش تعداد زنان مطلقه

در سال های اخیر جامعه ما با افزایش نرخ طلاق مواجه گردیده است، به طوری که نرخ طلاق در سال ۱۳۷۷ حدود ۷/۹ درصد بود، (سالنمای آماری کشور، ۱۳۷۸: ص ۸۳) در سال ۱۳۸۰ به ۹/۴ درصد، (سالنمای آماری کشور، ۱۳۸۰، ۷۶) در سال ۱۳۸۱ این نرخ به ۱۰/۳ درصد و در سال ۱۳۸۲ به ۱۰/۶ درصد رسید (www.nocrir.com). رشد میزان نرخ طلاق در سال های اخیر حاکی از افزایش تعداد زنان مطلقه می باشد و طبیعی است که در کشور ایران، با توجه به حاکم بودن ارزش های بومی خاص آن، شانس ازدواج زنان مطلقه بسیار پایین می باشد. اصولاً در کشور ما زنان شوهر مرده، نسبت به زنان مطلقه، بیشتر شانس ازدواج مجدد دارند.

از طرف دیگر در فرهنگ ایرانی زندگی کردن زنان به تنهایی موجب نگرانی اطرافیان است. این گونه زنان در معرض انواع تعدی و تهمت می باشند. البته این فرض در صورتی است که به لحاظ تأمین مادی مشکلی نداشته باشند، زیرا در غیر این صورت مشکل چندین برابر خواهد شد؛ بنابراین طبیعی است وقتی که زنان مطلقه در چنین شرایطی قرار می گیرند، زندگی با زن دیگر را بر چنین زندگی مشقت باری ترجیح می دهند.

اخاذی از مردان متأهل ثروتمند

اخیراً دیده شده است که گاهی دختران جوان، مردان ثروتمند متأهل را اغفال کرده و با ازدواج با او و لطایف

الحیلی، مقدار زیادی از ثروت او را تصاحب می کنند و بعد از آن که به مقصود خود رسیدند با بهانه گیری های زیاد تقاضای طلاق می نمایند. در این گونه موارد گاه شخص از زندگی ساقط می شود و چه بسا همسر اول او نیز به همین جهت او را ترک کرده باشد؛ در این صورت او علاوه بر هر دو همسر، بخش عظیمی از ثروت خود را نیز از دست خواهد داد.

انتقال به طبقه بالای اجتماعی

گاهی اوقات علت اصلی ازدواج با فرد متأهل ولی متمول تغییر ارزش های اجتماعی از ارزش های اخلاقی به سوی ارزش های مادی می باشد. وقتی ثروت تبدیل به ارزش اجتماعی می شود، بالطبع فقر، مساوی عدم برابری یا حقارت است. (رفیع پور، ۱۳۷۷: صص ۱۷۰-۱۶۹) (زیرا فقر به تنهایی مسئله ای برای نظام اجتماعی ایجاد نمی کند و هیچ نوع آسیبی به آن نمی رساند، همان، ص ۱۹۷) بلکه این نابرابری و به تبع آن تغییر ارزش هاست که یک جریان تهدیدآمیز است)، پیامد مهم با ارزش شدن ثروت این است که صاحبان ثروت (زن یا مرد) از حقوق اجتماعی بیشتری برخوردار می گردند که این موضوع، محرکی برای ارزشمندی بیشتر ثروت در جامعه می شود. (همان، ص ۲۲۵)

بر این اساس دختری که ترجیح می دهد همسر دوم مرد متمول باشد، آرزوی او رسیدن به طبقه بالا و ثروتمندی است.

نجات خانواده از فقر مادی

گاهی اوقات فقر به حدی به خانواده ها فشار می آورد که دختر خانواده حاضر به از خود گذشتگی می شود و با مرد متأهل ثروتمند ازدواج می کند تا کمک کار خانواده اش باشد.

فرب و اغفال دختران

بسیار اتفاق می افتد که دختران اغفال می شوند و به خیال این که خواستگارشان مردی مجرد است با او ازدواج می کنند و بعد از مدتی مشخص می شود که وی متأهل بوده است. (ابوعبد الله، ۱۴۱۸: ص ۴۰)

اثرات تجدید فراش بر زندگی زن اول

اثرات این ازدواج ارتباط تنگاتنگی با فرهنگ حاکم بر جامعه دارد، زیرا در بعضی از کشورها این نوع ازدواج طبیعی است و در بسیاری از کشورهایی که چندزنی رواج دارد (خصوصاً کشورهای آفریقایی مرکزی) همسران یک مرد اغلب با یکدیگر روابط دوستانه ای دارند و حتی زن اول بودن، امتیاز خاصی دارد که زنان دیگر فاقد آن هستند، به طوری که اقتدار همسر یا همسران ارشد در تصمیمات خانوادگی بیشتر از غیر ارشدهاست، (Giddens, ۱۹۹۳: ۳۹۳) اما در جامعه ایران قضیه برعکس است و معمولاً اثرات منفی این ازدواج بر همسر اول بسیار زیاد است که ذیلاً ذکر می شود:

الف) اثرات فردی

احساس شکست در زندگی

اولین احساس ناخوشایندی که منجر به ناراحتی های دیگر می شود، احساس ناکارآمدی و شکست در زندگی است که بیماری افسردگی را در پی خواهد داشت که به دنبال آن سلامت روانی زن اول مختل می گردد و احتمال ابتلا به ناراحتی های جسمی نیز افزایش می یابد.

احساس تنهایی و کمبود محبت

از آنجا که اکثر مردان چند همسر کمتر عدالت را رعایت می کنند و بیشتر وقت خود را با زن دوم که اغلب جوان تر است، صرف می کنند، لذا زن اول با بی اعتنائی شوهر احساس تنهایی خواهد کرد و این وضعیت بر عدم تعادل روانی او می افزاید، البته این موضوع در مورد زنان جوانتر شدیدتر است، اما زنان مسن تر بیشتر وقت خود را به کودکان شان اختصاص می دهند. این زنان مصاحبت همسرشان برایشان کمتر اهمیت دارد و عمدتاً برای فرزندانشان زندگی می کنند.

(D Topuzis, ۱۹۸۵ & Moore, ۱۹۸۷: ۹۹)

ب) اثرات خانوادگی

رواج بی اعتمادی در خانواده

یکی از اثرات نامطلوب ازدواج مجدد بر زن اول، نابودی حس اعتماد به شوهر می باشد احتمالاً این احساس که شوهر به او خیانت کرده، تمام وجود او را پر خواهد کرد و آن اظهار عشق و علاقه اولیه ای که معمولاً شوهر در سال ها یا ماه های اولیه زندگی نسبت به زن خود ابراز می کند با ازدواج مجدد شوهر فرو می ریزد و زن احساس می کند که شوهرش دیگر او را دوست ندارد و زندگی با او بی فایده است، بنابراین اگر امکان طلاق برایش فراهم باشد، سعی می کند از شوهر دروغگوی خود جدا شود. در واقع در بسیاری از موارد وجود یک زن دیگر در زندگی مردان باعث تضییع حق زن اول می شود.

خانواده های ناتنی

چند همسری می تواند منجر به ایجاد خانواده ها و خویشاوندان ناتنی شود. خانواده ناتنی خانواده ای است که

حداقل یکی از بزرگسالان، پدر یا مادر ناتنی است (Ibid, ۴۱۱). می تواند این تعریف، شامل خانواده هایی باشد که یکی از والدین آن ها ازدواج مجدد داشته اند یا مشمول خانواده های چند زنی باشد. در چنین خانواده هایی معمولاً کودکان دو مادر دارند، بعضی خانواده های ناتنی همه فرزندان و خویشاوندان ناتنی را به عنوان «جزئی از خانواده» تلقی می کنند.

معمولاً مشکلات معینی در خانواده های ناتنی پدیدار می شود. در درجه اول، غالباً یک پدر یا مادر تنی وجود دارد که همراه کودک زندگی می کند و نفوذ او بر فرزندان نیرومند است، بنابراین ممکن است برادران یا خواهران ناتنی به رقابت با هم بپردازند و گاهی اوقات روابط میان فرزند و مادر ناتنی تیره گردد، خصوصاً در شرایطی که همسران مرد رابطه خوبی با هم نداشته باشند، نگرش های منفی خود را به کودکان شان منتقل خواهند کرد. به ویژه اگر مادران از طبقه های متفاوت اجتماعی و دارای زمینه های خانوادگی مختلفی باشند و انتظارات متفاوتی در مورد رفتار مناسب در خانواده داشته باشند که در این صورت احتمال برخورد در عادات و شیوه نگرش قابل ملاحظه است (Ibid)). موارد بحرانی جایی است که همسران مرد حسادت ها و رقابت هایشان را به فرزندان شان منتقل کنند و جوی خصمانه در خانواده ایجاد کنند و احساس دشمنی نسبت به برادران و خواهران ناتنی را در فرزندان خود ایجاد نمایند.

ج) اثرات اقتصادی - خانوادگی

اثرات اقتصادی - خانوادگی معمولاً تعدد زوجات بعد از فوت شوهر ظاهر می شود. زیرا اگر مردی یک زن داشته باشد، در صورتی که دارای فرزند باشد یک هشتم ارث می برد و در صورتی که مرد فرزندی نداشته باشد همسر او یک چهارم ارث می برد). حال اگر تعداد زنان او بیشتر باشد، حتی اگر چهار زن باشند، باز همان یک هشتم (با وجود فرزند برای مرد و یک چهارم در صورتی که مرد فرزندی نداشته باشد) بین همه آن ها تقسیم می شود. (بهجت، بی تا: ص ۵۳۱) همچنین همین وضع در مورد فرزندان هم صادق است، یعنی اگر فردی یک زن داشته باشد، طبیعی است که دارای فرزندان کمتری باشد، اما اگر دارای دو زن باشد، تعداد فرزندان او بیشتر می شود طبیعی است که اگر تنها یک زن داشت، تعداد فرزندان به یک چهارم کاهش می یافت و بالطبع به فرزندان ۴ برابر وضع کنونی سهم الارث می رسید.

د) اثرات اجتماعی

اولین تاثیر اجتماعی ازدواج مجدد بر زن اول تحقیر زن از سوی اقربا و آشنایان و متهم شدن او به عدم شایستگی در اداره زندگی است. زیرا در فرهنگ ایرانی با تجدید فراش مرد این اتهام وارد می شود که زن اول نتوانسته است شوهرش را راضی نگهدارد و به عبارت دیگر مردم او را در هوسرانی شوهرش مقصر می دانند، از دو حیث، اول آنکه به لحاظ جنسی متهم به سرد مزاجی و عدم تمکین نسبت به شوهر می شود و دوم آنکه به لحاظ عاطفی او را در فراهم کردن محیط موافق و مورد دلخواه شوهر بداخلاق و بدسلایقه قلمداد می کنند. از طرفی نیز بسیاری از زنان فامیل نسبت به او احساس ترحم کرده و راه دلسوزی را در پیش می گیرند و این خود بیشتر نمک به زخم او خواهد پاشید.

آمارهای چندهمسری در ایران

مردان چند همسر، به طور مستقیم در آمارگیری ها و سرشماری ها مورد سؤال قرار نمی گیرند، لیکن با فرض اینکه معمولاً هر مرد یک همسر دارد، اختلاف تعداد مردان و زنان دارای همسر را به عنوان مردان چند همسر تلقی می کنیم. بر این اساس در سال ۱۳۷۵ تعداد مردان دارای همسر ۱۱,۸۳۲,۶۲۶ نفر و زنان دارای همسر ۱۱,۹۱۱,۱۹۱ نفر می باشد که اختلاف این دو به تعداد مردان دارای همسر ۰/۶۶ درصد است، به بیان دیگر حدود ۷۸ هزار نفر در سال ۱۳۷۵ دو یا چند همسر داشته اند.

جهت محاسبه نرخ چند همسری در سال ۸۳ می توان از طرح آمارگیری از ویژگی های اشتغال و بیکاری در سال ۷۶ استفاده نمود. با تعمیم این نمونه گیری به سال ۱۳۸۳ نسبت چندهمسری از ۰/۶۶ درصد به کمتر از نصف رسیده است.

فرض بر این است که شوهر تمام زنان دارای همسر در داخل ایران هستند، به بیان دیگر با وجود اینکه امکان مهاجرت مردان دارای همسر به تنهایی به خارج از کشور بیشتر است، اما این فرض، ثابت در نظر گرفته شده است.

در پیمایش ملی ارزش ها و نگرش های ایرانیان (موج دوم ۱۳۸۲) در ۲۸ استان کشور نظر پاسخگویان در مورد تعدد زوجات سؤال شده است. ۴۴۴۰ نفر به این سؤال پاسخ داده اند، که ۸۷/۲ درصد از مردان مخالف، ۵/۵ درصد مرد و ۷/۳ درصد موافق بودند و از میان زنان ۹۶ درصد مخالف و ۱/۶ درصد مرد و ۲/۴ درصد موافق بودند. این متغیر با متغیر سن رابطه معنادار دارد و با وضعیت تأهل و وضع فعالیت هیچ رابطه ای را نشان نداده است. همچنین این متغیر با متغیر سطح سواد ارتباط معکوس داشته است. (یافته های پیمایش ملی در ۲۸ استان کشور، ۱۳۸۲: ص ۴۷)

عکس العمل زن اول در برابر ازدواج مجدد مرد

ناسازگاری در خانواده

چنانچه شوهر بدون موافقت زن اول و بدون دلیل موجه اقدام به تجدید فراش نماید، نازل ترین مرحله ناسازگاری از بد اخلاقی و پر خاشگری شروع می شود و معمولاً این ناسازگاری در تشدید عدم رعایت عدالت از سوی شوهر نیز نقش اساسی دارد (زیرا شوهر که با فضای نامناسبی مواجه می شود، تمایل بیشتری به طرف زن دوم پیدا می کند و زن اول تنها تر خواهد شد) و این سلسله همین طور ادامه می یابد تا وضعیت بدتر می شود و زن اول طیفی از اقدامات عملی نظیر انتقام شخصی علیه شوهر یا انتقام از بستگان او، اقدام قانونی و شکایت به دادگاه را انجام می دهد. (روزنامه جام جم، ۸۳/۴/۲) در مواردی نیز ممکن است این انتقام جویی توسط فرزند زن اول انجام گیرد. (روزنامه ایران، ۱۳۸۳/۵/۱۲)

اقدام به طلاق

یکی از دلایل اصلی درخواست طلاق از طرف زنان، ازدواج مجدد شوهر می باشد. (نشریه ندا، ش ۲۴، ص ۴۲)

همکاری و توافق

در شرایطی که مرد با کسب موافقت زن اول یا حتی به پیشنهاد او اقدام به ازدواج مجدد می کند، معمولاً همکاری و توافق وجود دارد. در کشورهایی که چندزنی رواج گسترده دارد همانند کشورهای آفریقایی مرکزی معمولاً همسران مرد روابط دوستانه ای دارند و قاعده همکاری و توافق حاکم است.

(Giddens, ۱۹۹۳: ۳۹۳; Moor, ۱۹۸۷: ۹۹)

نگاهی اجمالی به وضعیت قوانین چند همسری در کشورهای اسلامی

در اکثر کشورهای اسلامی شروط و قیودی محکم و شدید جهت محدود کردن تعدد زوجات وضع شده است. مصر، اولین کشوری بود که قانونی در مورد محدودیت آن وضع کرد. کشور مصر در سال ۱۳۲۴ ه. ش (۱۹۴۵ میلادی) با وضع قانونی در دو ماده، ازدواج مجدد را منوط به اذن قاضی کرد.

ماده اول: جایز نیست که مرد مزدوج زن دیگری بگیرد یا برای ازدواج مزدوج زمینه سازی کند، مگر به اذن قاضی.

ماده دوم: قاضی حق ندارد به فرد متأهل اجازه ازدواج مجدد بدهد، مگر بعد از جستجو و تحقیق در رفتار او در خانواده و تمکن مالی او و...

در سوریه و عراق نیز قوانینی شبیه این وضع شد که اذن قاضی لازم است، اما در کشور تونس در سال ۱۹۵۶ قانونی در منع کلی ازدواج فرد متأهل وضع شد که اگر در هر شرایطی زن دوم می گرفت مجازات می شد.

در پاکستان قیود شدیدی برای ازدواج افراد متأهل وضع گردیده است. (احمد طه، ۲۰۰۳: ص ۱۲۴ و ص ۱۲۵)

در ایران نیز در قانون حمایت از خانواده مصوب ۱۳۵۳، قوانین زیر در محدود کردن چند همسری وضع شده است:

«ماده ۱۶: «مرد نمی تواند با داشتن زن، همسر دوم اختیار کند مگر در موارد زیر:

۱ رضایت همسر اول

۲ عدم قدرت همسر اول به ایفای وظائف زناشوئی

۳ عدم تمکین زن از شوهر

۴ ابتلاء زن به جنون یا مرض صعب العلاج موضوع بندهای ۵ و ۶ ماده ۸.

۵ محکومیت زن وفق بند ۸ ماده ۸

۶ ابتلاء زن به هرگونه اعتیاد مضر برابر بند ۹ ماده ۸

۷ ترک زندگی خانوادگی از طرف زن

۸ غائب بودن و مفقودالاثر شدن زن برابر بند ۱۴ ماده ۸» (کاتوزیان، ۱۳۷۷: ص ۶۸۹)

ماده ۱۷: «متقاضی باید تقاضانامه ای در دو نسخه به دادگاه تسلیم و علل و دلایل تقاضای خود را در آن قید نماید. یک نسخه از تقاضانامه ضمن تعیین وقت رسیدگی، به همسر او ابلاغ خواهد شد. دادگاه با اقدامات ضروری در صورت امکان تحقیق از زن فعلی و احراز توانایی مالی مرد و اجرای عدالت در مورد بند یک از ماده ۱۶ اجازه اختیار همسر جدید داده خواهد شد. به هر حال در تمام موارد مذکور این حق برای همسر اول باقی است که اگر بخواهد می تواند گواهی عدم امکان سازش از دادگاه را تقاضا کند.

هرگاه مردی با داشتن همسر بدون تحصیل اجازه دادگاه، مبادرت به ازدواج نماید، به حبس جنحه ای از شش ماه تا یک سال محکوم خواهد شد، همین مجازات مقرر است برای عاقد و سر دفتر ازدواج و زن جدید که عالم به ازدواج سابق مرد باشند، در صورت گذشت همسر اول، تعقیب کیفری یا اجرای مجازات فقط درباره مرد و زن جدید موقوف خواهد شد». (همان)

همان طور که از لحن قانون برمی آید و با (در نظر گرفتن مجازات زندان از شش ماه تا یک سال برای مرد و عاقد و زن جدید)، عملاً قانون راه را برای ازدواج مجدد مردان در کشور ما می بندد، اما با این حال بعضی از حقوقدانان سکولار در کشور ما به این مقدار بسنده نکرده و خواهان منع کلی آن در قانون رسمی کشور و تحریف متون دینی می باشند.

روشنفکران سکولار معتقدند که قانون چند همسری یک قانون قرون وسطائی است و دولت هر چه سریعتر باید این نوع ازدواج را به کلی ممنوع اعلام کند.

از آنجا که این روشنفکران آنچه را که رنگ و بوی غربی داشته باشد، بدون تفکر می پذیرند و به عبارتی تقلید از غرب، برای اینان به عنوان یک اصل مسلم پذیرفته شده است، لذا بدون مطالعه و بدون توجه به عواقب پیاده سازی آن در جامعه تلاش می کنند. مخالفت آن ها با قانون چند زنی نیز بر همین مبناست، در حالی که باید توجه داشته باشیم که اصل تک همسری حتی به قبل از سال های قرون وسطی برمی گردد. درست در زمانی که غرب در ظلمت قرون وسطائی خود دست و پا می زد این اصل یکی از اصول مسلم آنان بود و این طور نبود که به خاطر ممنوع کردن قانون چند همسری غرب توسعه یافته باشد، بلکه به عکس، درست در زمانی که شرق در اوج درخشش بود، جواز چند همسری مانعی در رشد او محسوب نمی شد، بلکه «این مبلغان مذهبی غربی [بودند] که همواره به شدت مخالف چند زنی بوده و هستند و از دوران استعمار به بعد در صدد ریشه کن کردن آن برآمدند». (Giddens, ۱۹۹۳: ۳۹۳) و جالب اینجاست که قانون تک همسری، برجای مانده از مسیحیت هم نیست، بلکه همان طور که سابقاً نیز ذکر شد از روم باستان به جای مانده و وارد دین مسیحیت شده است و در حقیقت نوعی فرهنگ بومی مردم مغرب زمین است که خود را بر سایر فرهنگ ها و تمدن ها تحمیل نموده است.

راهکارها و پیشنهادات

اشاعه تربیت دینی

اسلام بنای اجتماع انسانی را بر اساس زندگی عقلی و فکری نهاده است و صلاحیت عقلی را در نظر می گیرد، بنابراین تجویز تعدد زوجات برای مردان به هیچ وجه بر پایه از بین بردن منزلت اجتماعی زن و هدم حقوق و استخفاف موقعیت او نیست، بلکه این قانون بر مبنای مصالح متعددی [۱۶] بنا شده است (طباطبائی، ۱۳۷۵: ص ۵۴) اسلام قانون تعدد زوجات را به طور وجوب و حتی استحباب وضع نکرده است تا هر کسی بخواهد از آن فیضی برده باشد، بلکه اسلام به طبیعت افراد توجه کرده و محاسن و مفاصد و محذورهای آن را بررسی نموده و آنگاه بر مبنای مصلحت اجتماع انسانی آن را تجویز کرده و قیودی از جمله برقراری عدالت بین همسران را مطرح کرده است که البته اکثر افراد نمی توانند دین عدالت را برقرار کنند. (همان، صص ۵۴-۵۶)

پیامدهای چند زنی ناشی از عدم تربیت اسلامی در جامعه است، زیرا این مصائب محدود به چند زنی نیست و با

فرض ممنوعیت چندزنی، جامعه ما باز هم مشکل خواهد داشت، بلکه در آن صورت، مشکلات چند برابر می شود، زیرا فقدان تربیت دینی مردان بیشتر موجب طلاق زنان می گردد.

باز تعریف عدالت

قرآن می فرماید: «فان خفتم الا تعدلو فواحدة...» «اما اگر می ترسید که نتوانید میان همسران به عدالت رفتار کنید، تنها یک همسر داشته باشید» معنای عدالت چیست؟

شهید مطهری در باب تعریف عدالت اجتماعی می نویسد:

«عدالت اجتماعی، یعنی این که هر فردی هر مقدار که استعداد دارد کار بکند و به اندازه کار خودش پاداش بگیرد و تمام افراد باید این جور باشند. اگر جامعه از چنین افرادی تشکیل شود، آن وقت همه اجزای این جامعه هماهنگ هستند، نه اینکه یکی زیاد کار کند و دیگری کم کار کند و محصول کار اولی را به دومی بدهند. در این صورت نه تنها افراد عادل نیستند، بلکه جامعه هم عادل نیست.» (مطهری، ۱۳۷۴: ص ۱۱۱)

عموم فلاسفه در تعریف عدالت همین را گفته اند و عبارت «وضع کل شیء فی موضعه» از آن ها معروف است و کسی عدالت را به معنای تساوی نگرفته است.

حال سوال این است آیا نقش زن اول و دوم در زندگی مرد به یک اندازه است؟

وقتی زن اول وارد زندگی مرد می شود، معمولاً مرد به دلیل آنکه در ابتدای زندگی است، در بدترین شرایط مادی قرار دارد و زن اول معمولاً با فداکاری های خود موجب ترقی و تکامل مادی او می شود، به عبارت دیگر زن اول

زمان سختی مرد را می گذرانند و وقتی مرد به ثروت رسید، زن دوم از گرد راه می رسد و از همان امتیازات زن اول و حتی بیشتر از زن اول برخوردار می گردد، (در بسیاری از موارد نیز چون زن دوم جوان تر و زیباتر است، شوهر امتیازات بیشتری برای او در نظر می گیرد)، بنابراین، طبیعی است که زن اول احساس ظلم کند. بنابراین در معنای عدالت باید تجدید نظر شود و حقوق مخصوص و امتیازات خاصی باید برای زن اول در نظر گرفته شود. در واقع شرط قرآن در تعدد زوجات آشفته نساختن همسر اول و روی نگرداندن از او و اجتناب از بی پناهی او می باشد.

قانون مدنی فقط حق صدور گواهی عدم امکان سازش را برای زن اول قائل شده است که به معنای اخراج زن اول از زندگی مرد و سپردن تمامی امکانات و امتیازات به زن دوم است. در حالی که اگر زن اول طلاق بگیرد، چیزی عاید او نمی شود، بنابراین باید ارشدیت زن اول حفظ شود و اختیارات خاصی در زندگی داشته باشد و اگر قرار باشد کسی از زندگی خارج شود، زن اول نمی باشد. اما این که چه نوع امتیازاتی برای زن اول در نظر گرفته شود نیاز به بحث های فقهی تخصصی است که از حوصله این مقاله خارج می باشد.

ارشدیت همسر اول را می توان در زندگی پیامبر گرامی اسلام(ص) با خدیجه(س) مشاهده کرد که تا سن ۵۰ سالگی که خدیجه زنده بود، به احترام خدیجه (با آنکه ظاهری پیر و شکسته ای داشتند) ازدواج نکردند و ثانیاً در ازدواج قبیلۀ ای آن زمان، زن نقشی در ثروت شوهر نداشت، بلکه ثروت شوهر از خانواده و قبیلۀ خودش نشأت می گرفت و زنان بر سفره های از پیش آماده حاضر می شدند و بین زن اول و دوم تفاوتی از این باب نبود. اما امروزه اینطور نیست، بلکه معمولاً زن و شوهر از صفر شروع می کنند و با کمک یکدیگر زندگی را سرو سامان می دهند، خصوصاً اگر شوهر در سنین بالا بخواهد زن دوم بگیرد، در این صورت اغلب تمام زندگی خود را مدیون زن اول است، لذا حق ندارد زن اول را حتی اگر از کار افتاده باشد، از زندگیش خارج کند، بلکه باید به نوعی ارشدیت او را لحاظ نماید.

با نگاهی گذرا به زندگی پیامبر (ص) می بینیم که ایشان تا ۵۰ سالگی که خدیجه زنده بود، همسر دیگری نگرفت و سایر ازدواج های متعدد او بعد از ۵۰ سالگی بود که در بسیاری از موارد به قصد سرپرستی زنان بی سرپرست این کار انجام می گرفت. لذا اگر کسی قصد ازدواج مجدد دارد، باید با هدفی به جز اهداف هوسرانی جنسی باشد.

بهره مندی از اقتدار حکومت اسلامی

اگر در نظر بگیریم که یک بخش از زنانی که همسر دوم مردان متأهل می شوند، زنان بی سرپرست، مطلقه و بیوه هستند، به نظر می رسد که لازم است حکومت اسلامی به جهات مختلف اقتصادی، آنها را تحت پوشش قرار دهد تا به جهت این مشکلات تن به ازدواج با مرد متأهل و ایجاد مشکلات برای خود و دیگری ننمایند.

از سوی دیگر حکومت اسلامی باید از اختیاراتش استفاده کند و با زبان قانون با مردان بی وفا سخن بگوید. دولت اسلامی باید برای متخلق کردن جامعه اسلامی گام بردارد و افرادی که زبان اخلاق نمی دانند با چوب قانون مؤاخذه کند.

تدابیر قوه قضائیه

گاه بعضی از قضات به نیت برخی مردان جهت ازدواج مجدد پی می برند و با صدور احکامی نظیر تهیه مسکن برای زن یا طلاق و پرداخت مهریه زن، او را از تصمیم به ازدواج مجدد منصرف می کنند و اما برخی نیز از ناشزه قلمداد کردن زن اول تا بلا تکلیفی او و اقدام به رفع مشکل مرد، با وی همراهی می کنند، در واقع تجربه شخصی قضات اعم از مثبت یا منفی در این مورد مؤثر است. در این خصوص لازم است تحقیقات ضروری به عمل آید و آموزش های مورد نیاز ارائه گردد. از دیگر اقدامات قضایی به این موارد می توان اشاره نمود:

بررسی توانایی مرد در اداره اقتصادی همزمان چند زندگی با هم از سوی دادگاه

بررسی مصادیق عدالت مرد در خانواده و عسر و حرج زن و سنجش معرف های مربوطه

تعیین مجازات های اجتماعی و مادی جهت اقدام به تجدید فراش بدون توجه به شرایط قانونی

تجدید ازدواج مجدد توسط شروط ضمن عقد و تضمین اجرای این شروط

مجازات سردفترداران ثبت کننده عقد مرد متأهل بدون رضایت همسر اول

تعیین میزان نفقه زن اول حسب تعداد اولاد، شأن زن، موقعیت زن و... از سوی دادگاه

جلوگیری از افراط و تفریط در تعریف چند همسری

این مسأله که ازدواج مجدد برای مردان متأهل فی نفسه یک امر مستحبی نیست که اسلام به آن سفارش کرده باشد، بلکه قانونی است که برای اوقات ضرورت جعل شده است و این حکم برای کسانی است که به دلایلی به آن محتاجند، در غیر این صورت بهترین نوع ازدواج که قرآن نیز به آن سفارش کرده، ازدواج با یک همسر است (فَإِنْ خِفْتُمْ أَلَّا تَعْدِلُوا فَوَاحِدَةً) اما باید سعی شود از افراط و تفریط ها در این خصوص جلوگیری شود و قوانین بازدارنده از موارد سوء پیشنهاد گردد.

فهرست منابع:

قرآن کریم

کتاب مقدس.

ابوالفتوح رازی، حسین بن علی محمد بن احمد الخزاعی النیشابوری: «روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن»، بنیاد پژوهش های اسلامی آستان قدس، مشهد، ۱۳۷۴ ش.

ابوعبدالله، عبدالمحسن علی: «تعدد الزوجات بین العلم و الدین»، دار الصفوة، بیروت، ۱۹۹۷ م. ۱۴۱۸ ه ق.

احمد طه، صابر: «نظام الاسره فی اليهودیه و النصرانیه و الاسلام»، نهضة مصر للطباعة والنشر و التوزيع، قاهره، ۲۰۰۳ م.

بلاغی، سید عبدالحجت: «حجة التفاسیر و بلاغ الاکسیر»، ج ۲، چاپ حکمت، قم، ۱۳۴۵ ش.

بهجت، محمد تقی: «توضیح المسائل (عربی)»، انتشارات شفق، قم المقدسه، بی تا.

الجمال، ابراهیم محمد حسن: «تعدد الزوجات فی الاسلام»، دارالاعتصام، قاهره، ۱۹۸۶ م.

داوکینز، ریچارد: «جنسیت و قدرت»، مترجم نامشخص، مندرج در روزنامه همشهری، ۱۵ / ۴ / ۱۳۸۱ شماره ۲۷۷۱.

رفیع پور، فرامرز: «توسعه و تضاد»، شرکت سهامی انتشار، تهران، ۱۳۷۷.

السباعی، مصطفى: «المرأه بین الفقه و القانون»، دار الوراق النشر، ۱۹۹۹ م.

صدیق اورعی، غلامرضا: «جامعه شناسی مسائل اجتماعی جوانان»، انتشارات جهاد دانشگاهی، مشهد، ۱۳۷۴.

طباطبائی، سید محمد حسین: «المیزان فی تفسیر القرآن»، دارالکتب الاسلامیه، چاپ سوم، تهران، ۱۳۹۷ق.

طباطبائی، سید محمد حسین: «تعدد زوجات و مقام زن در اسلام»، انتشارات آزادی، قم، بی تا.

عبدالهادی عباس: «المرأة والاسرة فی حضارات الشعوب»، چ اول، دمشق، ۱۹۸۷.

کاتوزیان، ناصر: «قانون مدنی در نظم حقوقی کنونی» نشر دادگستر، چاپ دوم، تهران، ۱۳۷۷.

کاشانی، ملافتح الله: «منهج الصادقین فی الزام المخالفین»، جلد ۵، کتابفروشی اسلامیة، چاپ دوم، تهران، ۱۳۴۴ش.

کاشف الغطاء، الشیخ جعفر: «کشف الغطاء عن مبهمات شریعه الغراء»، انتشارات مهدوی، اصفهان، بی تا.

کریستین، سن؛ آرتور، امانوئل: «ایران در زمان ساسانیان»، ترجمه رشید یاسمی، چ هشتم، دنیای کتاب، تهران، ۱۳۷۲.

لوبون، گوستاو: «تاریخ تمدن اسلام و عرب»، ترجمه سید محمد تقی فخر داعی، چاپ چهارم، بنگاه مطبوعاتی علی اکبر علمی، تهران، ۱۳۳۴.

مرکز آمار ایران: «سالنامه آماری کشور ۱۳۷۷» تهران، ۱۳۷۸.

مرکز آمار ایران: «سالنامه آماری کشور ۱۳۸۰»، تهران، ۱۳۸۱.

مطهری، مرتضی: «فلسفه اخلاق»، انتشارات صدرا، تهران، ۱۳۷۴.

مطهری، مرتضی: «نظام حقوق زن در اسلام»، انتشارات صدرا، تهران، ۱۳۵۷.

مکارم شیرازی، ناصر: «تفسیر نمونه»، ج ۳، دارالکتاب الاسلامیه، تهران، ۱۳۶۶ ش.

منتسکیو: «روح القوانين»، ترجمه علی اکبر مهتدی، انتشارات امیرکبیر، تهران، ۱۳۶۲.

ناصر علوان، عبدالله: «تعدد الزوجات فی الاسلام و الحکمة من تعدد ازواج النبی»، دار السلام للطباعة والنشر والتوزیع، الطبعة الثانية، قاهره، ۱۴۰۴ هـ ۱۹۸۴ م.

ویل دورانت: «تاریخ تمدن»، مترجمان، احمد آرام و ع پاشائی و امیر حسین آریان پور، سازمان انتشارات آموزش و پرورش انقلاب اسلامی، چ سوم، ۱۳۷۰.

«: یافته های پیمایش در ۲۸ استان کشور، ارزش ها و نگرش های ایرانیان و موج دوم»، نشر دفتر انتشارات طرح های ملی، ۱۳۸۲.

Ø Browne, Ken, "An Introduction to Sociology", Polity press, London, ۱۹۹۲.

Ø D Topuzis, "The men with many wives" in New Society, ۴ October ۱۹۸۵.

Ø Giddens, Anthony, "Sociology", Oxford Polity, ۱۹۹۳.

Ø Gould, Julius and Kolb, William. L, "A Doctionary of the Social Sciences", Tavistock Publications, London, ۱۹۶۴.

Ø Moore, Stephoen, "Sociology Alive", Stanley Thornes publishers, L, T. P. ۱۹۸۷.

Ø United Nations, "The world's Women Trends and Statistics", New York, ۲۰۰۰

پی نوشتها

- *کارشناس ارشد جامعه شناسی.

[۱].Monogamy